گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۵۵۰
یکشنبه ۱ آذر ۱۴۰۵ ۱۵:۲۱

شکاف قیمت گندله و آهن اسفنجی؛ فرصت تازه سودآوری برای فولاد سنگان

اختلاف قیمت گندله و آهن اسفنجی، به‌عنوان یکی از مزیت‌های اقتصادی زنجیره تولید، می‌تواند نقش مهمی در افزایش سودآوری و توجیه‌پذیری طرح‌های توسعه‌ای فولاد سنگان ایفا کند و زمینه خلق ارزش افزوده بیشتر در این مجموعه را فراهم آورد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو؛ در چارچوب کلان اداره صنایع معدنی، هرچه محصول خروجی به حلقه‌های انتهایی زنجیره نزدیک‌تر باشد، علاوه بر کاهش وابستگی به تک‌محصول، تاب‌آوری جریان نقدینگی در مواجهه با نوسانات بازارهای جهانی و داخلی ارتقا می‌یابد. شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان، به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان محوری کنسانتره و گندله در شرق کشور، طی سال‌های اخیر ظرفیت اسمی پنج میلیون تن گندله را تثبیت کرده است؛ اما بررسی تحولات طرح‌های توسعه‌ای این شرکت، به‌ویژه احداث واحد احیای مستقیم با ظرفیت سالانه دو میلیون تن، نشان می‌دهد که منطق حرکت شرکت صرفاً افزایش حجم فیزیکی نیست، بلکه بازتعریف حاشیه سود عملیاتی از طریق تسخیر «اختلاف قیمت» میان گندله و آهن اسفنجی است.

۱. چالش‌های بالادست؛ از باطله‌برداری تا پایداری خطوط فرآوری عملیات معدنکاری در منطقه سنگان خراسان طی سال‌های گذشته با تغییرات ساختاری در کیفیت و در دسترس‌بودن سنگ‌آهن همراه بوده است: افزایش نسبت باطله‌برداری: با عمیق‌تر شدن محدوده‌های استخراج معدنی، عملیات معدنکاری نیازمند ناوگان بهینه‌تر، انرژی بالاتر و مدیریت دقیق هزینه حمل ماده معدنی تا سنگ‌شکن اولیه است. کیفیت متالورژیکی خوراک: حفظ عیار پایدار در ورودی خطوط کنسانتره‌سازی و کنترل عناصر مزاحم نظیر گوگرد و فسفر، فشار فنی مداومی به بخش فرآوری وارد می‌سازد. پیوستگی تولید: استمرار خوراک‌رسانی به واحد پنج میلیون تنی گندله‌سازی در شرایطی که محدودیت‌های فصلی آب و برق منطقه را تحت فشار می‌گذارد، مستلزم توازن دقیق میان نرخ استخراج سنگ، تولید کنسانتره و موجودی انبارهای میانی است.

۲. اقتصاد زنجیره؛ حساب‌وکتاب مالی در شکاف ارزش گندله و آهن اسفنجی نقطه اتکای اصلی در ارزیابی مالی این تحول، ساختار قیمت‌گذاری محصولات در بورس کالا و تراز مصرف مواد در فرآیند متالورژیکی است: ضرایب پایه در سازوکار کشف قیمت: طبق فرمول‌های پایه بورس کالا، سقف قیمت پایه گندله در محدوده حدود ۲۲.۳ درصد قیمت میلگرد مبنا تعیین می‌شود، در حالی که این نسبت برای آهن اسفنجی به حدود ۵۲.۷ درصد می‌رسد. به بیان دیگر، ارزش فروش پایه آهن اسفنجی در بازار رسمی بیش از دو برابر ارزش پایه گندله است. معادله مصرف و ارزش افزوده خالص: از منظر فنی، به ازای مصرف حدود ۱.۴ تا ۱.۴۵ تن گندله، یک تن آهن اسفنجی تولید می‌شود. با کسر بهای تمام‌شده گندله مصرفی و هزینه‌های جاری فرآیند احیا، همچنان بازده مالی به ازای هر تن محصول به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد؛ حاشیه سودی که پیش از این در فروش مستقیم گندله عاید واحدهای ذوب می‌شد، اما اکنون با اجرای مگامدول در صورت‌های مالی خود سنگان شناسایی خواهد شد. کیفیت نقدشوندگی بازار: در شرایطی که بازار گندله به دلیل توسعه عرضه‌ها گاه با رقابت‌های قیمتی منفی یا رکود مقطعی مواجه می‌شود، آهن اسفنجی به‌دلیل ناترازی مداوم در بازار داخلی و نیاز شدید کوره‌های قوس الکتریکی کشور، از تقاضای نقدی و کشش معاملاتی بسیار بالاتری برخوردار است.

۳. مزیت لجستیکی؛ حذف هزینه‌های اضافه حمل‌ونقل یکی از هزینه‌های نامرئی اما سنگین در زنجیره فولاد ایران، ترابری ریلی و جاده‌ای در فواصل طولانی است. جابه‌جایی گندله از شرق خراسان به واحدهای احیا در مرکز یا جنوب کشور، سالانه صدها میلیارد تومان بار مالی ایجاد می‌کند. احداث واحد احیای مستقیم در مجاورت خطوط گندله‌سازی سنگان، چند مزیت عملیاتی به همراه دارد: گندله بدون نیاز به شبکه حمل برون‌شهری، به‌صورت پیوسته وارد کوره احیا می‌شود و هزینه سنگین حمل جاده‌ای و ریلی حذف می‌گردد. ضایعات ناشی از سایش، پودرشدگی و شکستگی گندله در عملیات تخلیه و بارگیری مجدد به صفر می‌رسد. با تمرکز زنجیره در مبدأ، کالای ارسالی به مقصد مراکز فولادسازی، «آهن اسفنجی» با ارزش واحد بالاتر به ازای هر تن بار خواهد بود؛ امری که بهره‌وری ناوگان حمل را مستقیماً ارتقا می‌دهد.

۴. موانع و پیش‌شرط‌های کلیدی پایداری تحقق پایدار این سودآوری، مستلزم مهار ریسک‌های ساختاری زیر است: تأمین پیوسته گاز طبیعی: فرآیند احیای مستقیم متکی بر واکنش‌های احیایی با گاز است. ناترازی گاز در فصل سرد سال مهم‌ترین ریسک عملیاتی واحدهای اسفنجی به شمار می‌رود؛ بنابراین، پیش‌بینی راهکارهای ذخیره‌سازی، بهینه‌سازی حرارتی و مدیریت افت فصلی گاز، پیش‌نیاز ثبت این بازدهی است. مهار مصرف آب صنعتی: هرچند مصرف آب در کوره احیا کمتر از خطوط کنسانتره‌سازی است، اما در اقلیم خشک خواف، استمرار تولید بدون بازچرخانی حداکثری پساب و بهره‌برداری کامل از سامانه‌های آب‌گیری باطله مقدور نخواهد بود. حرکت فولاد سنگان از موقعیت یک «تأمین‌کننده گندله» به سمت «تولیدکننده آهن اسفنجی با ظرفیت دو میلیون تن»، فراتر از یک طرح توسعه متعارف، اقدامی دفاعی و در عین حال تهاجمی برای ارتقای نرخ بازده دارایی‌هاست. پیوند زدن ۵ میلیون تن گندله به این مگامدول احیا، نه‌تنها هزینه گزاف حمل ماده اولیه را مهار می‌کند، بلکه با بهره‌برداری از ضریب ۵۲ درصدی آهن اسفنجی در بازار، سود پایدارتری را در سبد گروه فولاد مبارکه رقم خواهد زد.